

# حدیث امام رضا علیه السلام راجع به حقیقت مقام امام علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

مرحوم محمد بن یعقوب کلینی [1] حدیث می‌کند از  
عبدالعزیز بن مسلم که او گفت: ما با حضرت رضا  
علیه السلام در مرو بودیم و در بدو ورود در مسجد جامع  
مرو در روز جمعهای به جماعت رفتیم. در آنجا از امر  
امامت بسیار سخن به میان رفت و اختلافات مردم را در

این موضوع بیان می‌کردند. پس از آن من بر حضرت  
رضا علیه‌السلام وارد شدم و او را از بحث و خوض مردم  
در امر امامت مطلع نمودم.

آن حضرت تبسمی فرمود و سپس گفت: ای عبدالعزیز  
این مردم جاهلند و به آراء و افکار خود گول خورده‌اند.  
خداوند عزّ و جلّ جان پیغمبر خود را نگرفت مگر آنکه  
دین او را کامل نمود و قرآن را بر او فرو فرستاد که **فیه**  
**تَبَيَانُ كُلِّ شَيْءٍ**. در قرآن حلال و حرام بیان شده و حدود  
و احکام و جمیع آنچه که مردم بدان‌ها نیازمندند همه را

بیان فرموده، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ

شَيْءٍ [ما در کتاب آفرینش از هیچ چیز کوتاهی

نمودیم.] [2]

و در حجة الوداع که آخر عمر حضرت رسالت بود این

آیه را فرستاد:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا [امروز من دین شما را کامل نموده و

نعمت خود را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام

دین شما باشد.] [3]

و امر امامت از تمامیت دین است و پیغمبر از دنیا نرفت  
مگر آنکه برای امت خود معالم دین آنها را بیان فرموده و  
روشن ساخت و راه سلوک آنها را نشان داد و بر راه حق  
آنها را برقرار کرد و برای آنها علی علیه السلام را راهنما و  
امام قرار داد، و تمام چیزهایی را که امت بدانها محتاج  
هستند روشن ساخت. پس کسی که گمان کند خداوند  
عزّ و جلّ دین خود را کامل ننموده است کتاب خدا را ردّ  
کرده و کسی که کتاب خدا را ردّ کند به خدا کافر شده  
است. آیا آنها قدر و منزلت امام را می دانند و محل و

مکانت او را می‌شناسند تا بتوانند برای خود امام اختیار

کنند؟

إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَعْظَمُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ

جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا

بِأَرَائِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ. «امامت قدرش بزرگتر

و شأنش عظیم‌تر و درجه‌اش عالی‌تر و از دسترس مردم

دورتر و رسیدن به حقیقت او مشکل‌تر است از آنکه

مردم بتوانند با عقل‌های خود بدان برسند یا به آراء خود

بدان دست یابند یا به اختیار خود امامی را تعیین کنند.»

امامت مقامی است که خداوند عزّ و جلّ به حضرت ابراهیم بعد از اعطای نبوت و خلّت، در درجه سوّم عنایت فرمود، و فضیلتی است که خدا او را بدان مشرف فرمود و بدان فضیلت ثنا و مدح خود را بر آن پیغمبر بیان کرد فقال: اُنّی جاعلک للنّاسِ اماماً [4] «من تو را برای مردم امام قرار دادم». و از مسرتی که ابراهیم از این خطاب پیدا نمود عرض کرد: وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي؟ «آیا این منصب امامت نصیب ذریّه من نیز می‌گردد؟» خداوند

تبارک و تعالیٰ فرمود: **لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ** «عهد من

به ستمکاران نخواهد رسید.»

پس این آیه، امامت هر ظالمی را تا روز قیامت باطل نمود

و امامت مخصوص به پاکان و برگزیدگان شد. سپس

خداوند ابراهیم را گرامی داشته، و امامت را در آن طبقه از

ذریّه او که اهل طهارت و صفوت بودند قرار داد و

فرمود:

**وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَ**

**جَعَلْنَا لَهُمْ أُمَّةً يُهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ**

وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ [ما به او

اسحاق و یعقوب را عطاء نمودیم و همه را از نیکان قرار

دادیم. و ایشان را پیشوایانی قرار دادیم که با توسل به

عالم امر و اشراف بر منبع وحی و تشریح مردم را به مسیر

مستقیم و صراط حق هدایت می کردند. و انجام امور خیر

و برپاداشتن نماز و پرداخت زکاة را به ایشان وحی

نمودیم؛ و ایشان از زمره بندگان وارسته و عبادت

کنندگان حقیقی ما بودند. [5]



و پیوسته و همیشه امامت در ذریه ابراهیم بود بعضی از  
بعضی قرناً بعد قرن ارث می بردند تا آنکه خدا آن را به  
پیغمبر اکرم میراث داد و فرمود جلّ و علا:

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ  
آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُ الْمُؤْمِنِينَ ] سزاوارترین مردم،  
نزدیکترین مردم، أحقّ مردم به ابراهیم، آن کسانی  
هستند که از او پیروی می کنند، و این پیغمبر و آن کسانی  
که به این پیغمبر ایمان آورده اند؛ و خداوند ولیّ مؤمنان

است. ] [6]

پس این امامت اختصاص به رسول الله پیدا کرد و آن حضرت آن را به علی علیه السلام سپرد به امر خداوند تعالی طبق ما فرض الله و سپس در ذریه پاک و اصفیای از اولاد آن حضرت، آنهایی که به آنها علم و ایمان داده شد، قرار گرفت.

خداوند تعالی فرمود: **وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ** [و آن کسانی که از طرف خدا دارای مقام علم و ایمان شده‌اند، به آن مردم

مجرم گویند: شما تا روز قیامت درنگ کرده‌اید.] [7]

پس آن امامت فقط در اولاد علی علیهم السلام است تا  
روز رستاخیز چون پیغمبری بعد از محمد صلی الله علیه  
و آله و سلم نیست. بنابراین از کجا این جهال امام اختیار  
می کنند؟

به درستی که امامت منزله و مقام پیمبران و ارث اوصیاء  
است. امامت خلافت خدا و جانشینی رسول الله صلی  
الله علیه و آله و سلم و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام و  
میراث حسن و حسین علیهما السلام است. امامت  
زامداری دین و نظام مسلمین و موجب صلاح دنیا و

عزّت مؤمنین است. امامت ریشه و اساس زنده، و شاخه‌های بلند اسلام است. به امام است که نماز کامل و تمام می‌شود و زکات و روزه و حجّ و جهاد هر یک موقعیت و تمامیت خود را حائز می‌گردند، و نیز موجب زیادی فیء و صدقات و به جریان انداختن حدود و احکام و منع سرحدات و اطراف است از دستبرد تعدّیات.

امام حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می‌گرداند و حدود خدا را اجرا می‌نماید و دست دشمنان و متجاوزان

را از حریم دین خدا دور می‌دارد و با حکمت و پندهای  
نیکو مردم را به راه خدا می‌خواند. امام مانند شمس عالم  
تاب است که طلوع نموده و جهان را به نور خود روشن  
می‌نماید، و او بر فراز افق، مکان و منزلتی دارد که  
دست‌ها و چشم‌ها را یارای وصول به آن نیست، امام ماه  
شب چهارده و نور دهنده دل‌ها است و چراغ رخشان و  
نور بلند و نمایان و ستاره راهنما در قطعات تاریکی‌های  
شدید و در وسط بیابان‌ها و زمین‌های خشک و سوزان و  
در لجه‌های دریاها است، امام آب شیرین است در

تشنگی و راهنما است بر راه سعادت و نجات دهنده  
است از سقوط و هلاکت، امام آتشی است بر فراز تپه‌ها و  
موجب حرارت است برای افرادی که خود را بدان گرم  
می‌کنند و راهنما و دلیل است در مواضع هلاکت، کسی  
که از امام جدا شود هلاک گردد. امام ابر پر باران و باران  
درشت و فراوان و خورشید نور دهنده و آسمان رحمت  
سایه گستر و زمین صاف و بی‌خاشاک و چشمه پر آب  
حیات و منبع آب و گلستان فضائل است.

امام انیسی است با مهر و شفقت، و پدری است با رحمت  
و عطوفت و برادری است عدیل و مهربان و چون مادری  
است با کودک خردسال خود نیکو و رئوف، و ملجا و پناه  
بندگان است در شدائد و مهمّات. امام امین خدا است بر  
آفریدگان او و حجّت اوست بر بندگان او و خلیفه اوست  
در بلاد او، و دعوت کننده مردمان است به سوی او، و  
منع کننده مفسد و موانع است از حرم او، امام از هر  
گناهی منزّه و از هر عیب و نقصی مبری است.

خداوند او را مخصوص به علم نموده و موسوم به حلم  
فرموده است و نظام دین و عزّ مسلمین و قهر و غضب بر  
منافقین و هلاکت کافرین است. امام یگّه و فرید زمان  
است که هیچ کس را یارای نزدیکی به مقام او نیست و  
هیچ دانشمندی هم طراز و هم رتبه او نه، و نه از برای او  
بدلی یافت شود و نه مثل و مانندی، خداوند بخشاینده و  
کرم کننده او را بدین فضائل بدون طلب و اکتساب  
مخصوص گردانیده است. بنابراین چه کسی را قدرت



معرفت امام است، یا می‌تواند او را اختیار کند هیئات  
هیئات!

عقول در اینجا گم می‌شود و دل‌ها متحیر می‌گردد و  
خردها عاجز و سرگردان می‌ماند و چشم‌ها فرو  
می‌خوابد. بزرگان کوچک می‌شوند و حکیمان متحیر  
می‌گردند و حلیمان کوتاه می‌گردند و خطیبان محدود و  
محصور می‌شوند و خردمندان به جهل اعتراف می‌کنند و  
شاعران لال می‌گردند و ادیبان ناتوان می‌شوند و بلیغان  
عاجز می‌گردند از توصیف شأنی از شئون امام یا فضیلتی

از فضائل او، و همه و همه اقرار به عجز و اعتراف به  
تقصیر می‌نمایند. و چگونه تمام صفات و فضائل او را  
می‌توان وصف کرد یا از کنه و ذات او سخنی گفت یا  
چیزی از شئون او را ادراک کرد یا بتوان کسی را بر مسند  
او نشانند که مانند امام بهره دهد و بی‌نیاز کند؟ نه، چنین  
نمی‌شود؛ چگونه و به چه کیفیت بتوان چنین کاری کرد؟  
در حالی که او مانند ستاره‌ای است بر فراز آسمان، کجا  
می‌توانند مردم او را به دست گیرند، و توصیف کنندگان  
از حقیقت اوصاف او سخنی گویند؟ با این حال مردم

کجا می‌توانند امام را اختیار کنند و عقل‌ها کجا می‌توانند  
این حقیقت را درک کند و کجا می‌تواند مانند امام کسی  
دیگر پیدا شود؟

آیا شما چنین گمان می‌برید که امامت در غیر آل رسول  
الله محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم یافت  
می‌شود؟ سوگند به خدا که نفس‌های آنها به آنان دروغ  
گفت و امانی و آرزوهای باطل در دل‌های آنان جا گرفت  
و بنابراین بر مکان سخت و مرتفعی، و بر نردبان لرزان و  
صعبی بالا رفتند که ناگهان قدم‌های آنان از فراز به پایین

بلغزید. آنها چنین خواستند که امام را با عقل‌های ناقص

و پریشان و گرفتار هوی و هوس خود تعیین کنند و با

آراء گمراه کننده خود نصب نمایند پس هر چه بیشتر

کوشیدند بیشتر دور شدند قَاتَلَهُمُ اللَّهُ اَنَّى

يُؤْفَكُونَ [خداوند آنان را بکشد، چگونه و به کجا از حق

انصراف داده می‌شوند؟!] [8] و حَقًّا قَصْدَ مَطْلَبِ صَعْبِي

نمودند و با افک و دروغ سخن گفتند و گمراه شدند

گمراهی آشکاری و در حیرت و سرگردانی در افتادند

زیرا با بصیرت امام را ترک گفتند، وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ

اعمالهم فصدَّهم عن السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ [و شیطان

کارهای آنها را جلوی چشمانشان جلوه بخشید و راه حق

و صراط مستقیم - صراط ائمه هدی و معرفت ولایت و

متابعت و پیروی بدون هیچ قید و شرط و بطور کامل و به

نحو اطلاق - را بر آنان مسدود نمود، در نتیجه جهالت و

گمراهی و کوری ادراک معارف و حقائق نصیب آنان

گشت، درحالی که مردمی بینا و بصیر بودند. [9] از

اختیار خدا و اختیار رسول خدا و اهل بیت رسول خدا

اعراض نموده و به اختیارات خود گرویدند درحالی که

قرآن به اعلی صوت ندا در می دهد:

و رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ

اللَّهِ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ [و پروردگار تو آنچه را که

بخواهد می آفریند و اختیار می کند. برای این مردم

ممکن الوجود اختیار و انتخابی نیست. منزّه و عالی مرتبه

است خداوند از شرکی که به او می آورند. [10]

و نیز خدای عزّ و جلّ فرمود:

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ

يَكُونَ لَهُمُ الْخَيْرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ [برای هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای

چنین استحقاق و شأنی نیست که وقتی خدا و رسول

خدا، امری را حکم کنند، آنها برای خودشان در آن امر

اختیاری داشته باشند.] [11]

و نیز فرمود: مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ

تَدْرُسُونَ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ أَمْ لَكُمْ إيمانٌ عَلَيْنَا بِالْغَةِ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ

زَعِيمٌ إِمَّ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا

صادقین] چه شده است شما را! چگونه حکم می‌کنید؟

آیا شما را کتابی است که از آن بهره می‌گیرید و انتخاب و

اختیار شما از آن مطالب و نوشته‌هاست؟ یا اینکه بر ما

سوگند و پیمانهایی تا روز قیامت نهاده‌اید که آزادانه و با

اختیار کامل به هر چه مورد پسند و دلخواه شماست

دست بزنید؟ از ایشان سؤال کن کدامشان مسؤول و راهبر

و لوادار این گروه است؟ و یا اینکه در قبال خدای متعال

اینان را هم پیمانان است! پس بگو تا آنها بیایند - و در



قبال مقام عزّ و جبروت و قدرت ما عرض اندام کنند -

اگر راست می گویند. [12]

و نیز خداوند عزّ و جلّ فرمود: **أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ**

**عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالِهَا** [آیا اینان در قرآن نمی اندیشند و یا

اینکه بر قلبهایشان قفل نهاده اند، و ادراک معانی آیات را

نمی کنند؟] [13]، یا آنکه **طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا**

**يَفْقَهُونَ** [خداوند مهر بطلان و ضلالت بر دلهای ایشان

زده است و لذا فهم و ادراک حقائق قرآنی از آنان گرفته

شده است. [14]، یا آنکه **قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ**

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ وَ لَوْ  
عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ  
مُعْرِضُونَ] می‌گویند: ما شنیدیم در حالی که نشنیده‌اند.

بدرستیکه بدترین و پست‌ترین جنبندها در پیشگاه  
پروردگار حیواناتی است که کر و لال از ادراک و بیان  
حقائق باشند. اینان کسانی هستند که ایمان به ما ندارند و  
اعتقادی به مطالب ما در آنها نمی‌باشد. اگر خدای متعال  
در آنان خیری می‌یافت به آنها حقائق را می‌شنوید و اگر  
مطالب به گوش ایشان بخورد طریق انکار و عناد پیش

گرفته پشت می کنند و از قبول حقائق اعراض می کنند.]

[15]، یا آنکه قَالُوا سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا [ اینان می گویند: ما

مطالب را شنیدیم و سپس نافرمانی کردیم.] [16]

بلکه امامت فضل خداست، کسی را که بخواهد می دهد و

خداوند دارای فضل عظیمی است. چگونه برای آنان

اختیار تعیین امام است؟ در حالی که امام عالمی است که

برای او هیچ چیز مجهول نیست و نگهبان و حافظی است

که به هیچ وجه فتور و سستی در او پیدا نمی شود. معدن

قُدس و طهارت است، و چشمه تقوی و زهدات، و علم

و عبادت، اختصاص یافته به دعوت رسول، و نسل پاک  
بتول، در نسب او گفتگو و طعنی نیست، و هیچ ذی  
حساب و اعتباری را یارای نزدیکی به مقام او نه. از بیت  
قریش است و از خاندان بلند مرتبه هاشم و از عترت  
رسول صلی الله علیه و آله و سلم و الرضا من الله عز و  
جل. از تمام اشراف شریف‌تر و شاخه‌ای از عبد مناف.  
علمش پیوسته زنده و بیدار، حلمش کامل و استوار، در  
انجام وظائف امامت قادر و توانا است، و بر سیاست عالم  
و دانا، پیروی او از ناحیه خدا بر همه خلق واجب آمده، و

به امر خداوند عزّ و جلّ قائم شده، نصیحت کننده بندگان خداست، و نگهدارنده دین و آیین خدا.

خداوند به انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم توفیقی خاصّ عنایت نموده و از خزانه علم و حکم خود چیزهایی به آنان مرحمت فرموده است که به دیگران نداده؛ بنابراین علم آنها عالی تر و رفیع تر از علم تمام اهل زمان است. خدا می فرماید:

أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ [آیا کسی که هدایت به حق

می کند و مردم را به سمت و سوی فلاح و رستگاری  
سوق می دهد سزاوارتر است به متابعت، یا کسی که خود  
راه بجایی نبرده است و منتظر است تا کسی دست او را  
بگیرد و از ضلالت به هدایت رهنمون گردد؟ پس چه  
شده است شما را و چه طور حکم و قضاوت  
می نمایید؟! [17]

و نیز فرماید: **وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا  
كَثِيرًا** [کسی که خداوند به او حکمت و بینش صحیح

عنایت کند، به تحقیق که خیر کثیری را نصیب او نموده

است. [18]

و درباره طالوت گوید: إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ

بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

وَاسِعٌ عَلِيمٌ [خدای متعال او را بر شما برگزید و او را از

نعمت علم و قدرت و توانایی جسمانی برخوردار

ساخت. و خدای متعال سلطنت را به هر کسی که اراده

کند اعطاء می نماید و اوست که اراده و قدرت و عنایتش

وسیع، و هم او داناست. [19]

و به پیمبرش صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: **أُنزَلَ**

**اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ**

**كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا** ] و خداوند کتاب و حکمت

را بر تو نازل کرد؛ و چیزهایی را که نمی دانستی به تو

تعلیم نمود و فضل و عنایت خدا به تو بسیار بزرگ و

عظیم است. ] [20]

و درباره ائمه از اهل بیت او و عترت او و ذریه او صلوات

الله علیهم فرموده است:



أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا  
آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا فَمِنْهُمْ  
مَنْ أَمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا [آيا

مردمان حسد می‌ورزند به آنچه که خداوند از فضل و

لطف خود به آنان (ائمه) عنایت نموده است! همانا که ما

به آل ابراهیم کتاب و حکمت عطاء نمودیم و سلطنت

وسیع و بزرگی را در اختیارشان نهادیم. پس گروهی به

خدای بزرگ ایمان آورده از زمره بندگان مطیع او گشتند،

و گروهی از گرایش به حق و ایمان به او سر باز زدند و

لهیب جهنم آنان را فرا خواهد گرفت. [21]

چون بنده‌ای را خدا برای ولایت و سرپرستی امور

بندگان اختیار کند سینه او را برای تحمل این بار،

منشرح و گشاده می‌دارد و در دل او چشمه‌های حکمت

قرار می‌دهد و پیوسته از علوم خود بدو الهام می‌نماید به

طوری که دیگر از جواب فرو نخواهد ماند و از راه

صواب حیران و سرگردان نخواهد شد، و بنابراین او به

عصمت الهی معصوم و به تأیید و توفیق او مؤید و موفق

خواهد بود، از هر گونه اشتباهی یا لغزش و خطایی  
مأمون و مصون خواهد بود. و این مقام را خدا به او  
اختصاص داده تا بر بندگانش حجّت بوده باشد و بر  
آفریدگانش شاهد و گواه و **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ**  
**وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ** [این همانا فضل الهی است که به  
اراده و مشیّت قاهره خود به هر کسی که بخواهد عنایت  
می‌کند. و خدای متعال دارای فضل و رحمت عظیم

است.] [22]

آیا کسی می‌تواند این ملکات را داشته باشد و قدرت بر  
وظائف امامت را دارا باشد تا او را انتخاب کنند؟ یا اینکه  
مختار و منتخَب آنان دارای چنین صفاتی است تا او را  
مقدم دارند؟ سوگند به بیت الله که از حق تجاوز کردند و  
کتاب خدا را چنان به پشت سر انداختند گویا که اصلاً بر  
آن دانا نبودند. در کتاب خدا راه هدایت مشهود و شفای  
از هر گزند و مصیبتی معلوم بود لکن آن را به دور  
انداختند، و از اهواء و خیالات خود پیروی کردند.  
خداوند آنان را مذمت نموده و وجه بصیرت آنها را برو

در افکنده، دیده دل آنان را کور و قلب آنان را هلاک و  
تباه فرموده است.

قال الله تعالى: **وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنْ**

**الله إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** [و چه کسی گمراه‌تر

است از آن شخصی که به دنبال آراء پوچ و نفسانی خود

برود بدون اتصال به منبع و سرچشمه هدایت از جانب

پروردگار؟ بدرستی که خداوند گروه ظالمین را هدایت

نخواهد کرد] [23] و نیز فرمود: **فَتَعَسَىٰ لَهُمْ وَ أَضَلُّ**

**اعمالُهُمْ** [پس هلاکت و نیستی بر ایشان باد که اعمال و

کردارشان را گمراهی و ضلال گرفته است. [24] و نیز

فرمود: **كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ**

**اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ** [بزرگ است خشم و

دورباش پروردگار و کسانی که ایمان آورده‌اند نسبت به

آنان؛ پس این چنین خداوند بر دل‌های تمامی افراد متکبر

و زورگو مهر بدبختی و حرمان از رحمت خود را خواهد

زد. [25] و **صَلَّى اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ**

تسليماً كثيراً. [26]

- [2]-سوره انعام (6) آیه 38.
- [3]-سوره مائده (5) آیه 3.
- [4]-سوره بقره (2) آیه 124.
- [5]-سوره انبیاء (21) آیه 72 و 73.
- [6]-سوره آل عمران (3) آیه 68.
- [7]-سوره روم (30) آیه 56.
- [8]-سوره توبه (9) آیه 30. و این آیه بنا به روایت صفوانی است همچنانکه مجلسی اشاره کرده است.
- [9]-سوره عنکبوت (29) آیه 38.
- [10]-سوره قصص (28) آیه 68.
- [11]-سوره احزاب (33) آیه 36.
- [12]-سوره قلم (68) آیه 37 الی 42.
- [13]-سوره محمد (47) آیه 24.
- [14]-سوره توبه (9) آیه 87. «فهم لا یعلمون.»
- [15]-سوره انفال (8) آیه 21 الی 23.
- [16]-سوره بقره (2) آیه 93.
- [17]-سوره یونس (10) آیه 35.
- [18]-سوره بقره (2) آیه 269.
- [19]-سوره بقره (2) آیه 247.
- [20]-سوره نساء (4) آیه 113.
- [21]-سوره نساء (4) آیه 53 و 54.
- [22]-سوره جمعه (62) آیه 4.
- [23]-سوره قصص (28) آیه 50.

[24]-سوره محمد (47) آیه 8.

[25]-سوره غافر (40) آیه 35.

[26]-امام شناسی، ج 2، ص 108.